

قوم عاد

ماجرای یک روایت ساختگی در فضای مجازی

محمدحسین معتمدراد

اشاره

قوم عاد یکی از اقوام عرب بوده که در سرزمین احقاف (بین یمن و عمان) در جنوب سرزمین عربستان زندگی می‌کردند و مشهور به ساکنان «ارم» نیز بودند. به آن‌ها قوم عاد می‌گفتند زیرا جدشان شخصی به نام **عادبن عوص** بوده است. آن‌ها، قومی بت‌پرست، متکبر و خودخواه بودند و به دلیل همین ویژگی ناپسند، نزول عذاب الهی را بر خود میسر ساختند. اولین عذاب الهی بر این قوم، قحطی و خشک‌سالی بود که به فرمان خداوند به مدت سه سال و به قولی نیز هفت سال بر آن‌ها نازل گردید. لجاجت و نافرمانی این قوم به حدی رسید که خداوند در نهایت آن‌ها را با تندبادهای طغیانگر، سرد و پرصدا به هلاکت رسانید. در این جستار سعی داریم، نخست شرحی از زندگی این قوم را براساس آیات قرآن کریم و تفاسیر موجود بیان کنیم و سپس به ادعای کشف اسکلت‌های عظیم‌الجثه مربوط به قوم عاد، که ادعا شده اخیراً در شبه‌جزیره عربستان کشف و به رؤیت باستان‌شناسان نیز رسیده است پاسخ دهیم.

کلیدواژه‌ها: قوم عاد، حضرت هود(ع)، شبه‌جزیره عربستان، باستان‌شناسان

محل سکونت قوم عاد

به نوشته برخی از مورخان قدیم، قوم عاد سیزده قبیله بودند که بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال دوام آوردند. نسب این قوم به عادبن عوض بن ارم بن سام بن نوح می‌رسید و به همین نام موسوم بوده‌اند. آن‌ها در سرزمین احقاف واقع در جنوب غربی جزیره‌العرب بین یمن و حضرموت سکونت داشتند (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶: ۴۹؛ مکارم شیرازی، ج ۱۵: ۳۱۷). به منظور پی بردن به جغرافیا و تاریخ سرزمین قوم عاد، نخست به تشریح دو سرزمین این قوم که به «ارم» و «احقاف» شهرت دارند می‌پردازیم:

ارم

ارم، شهری در شبه‌جزیره عربستان بود که در برخی از متون تاریخی از آن به شهر افسانه‌ای نیز تعبیر می‌کنند. این شهر با سنگ‌های قیمتی و جواهرات توسط **شدادبن عاد** بنا شده بود و در دیوارش را با دُر یاقوت، زبرجد و عقیق آراسته بودند (حموی بغدادی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۱۹۶) و یا در منابعی همچون «معجم البلدان»، ریشه کلمه ارم را به معنی سنگ دانسته که در بیابان‌ها برای نشانه می‌گذاشتند. جمع این کلمه آرام و اروم است. همچنین این واژه را نام کوهی دانسته‌اند از کوه‌های «حسمی» از دیار «جدام» میان «ایله» و صحرای بنی اسرائیل. (همان: ۱۹۵).

صاحب معجم البلدان اشاره مستقیم به آیات ۶ و ۷ از سوره فجر دارد که در

آن به ارم ذات‌العماد که ارم عاد است می‌پردازد: **أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ، ارم ذات‌العماد: آیا ندیدی خدایت با عاد و نیز شهر ارم که دارای ستون‌ها بود چه کرد؟** (همان: ۱۹۵)

در مورد وضعیت جغرافیایی شهر ارم بین مفسران و مورخان اختلاف نظر است. برخی می‌گویند ارم شهری بوده که دیگر وجود ندارد و مکانش هم شناخته شده نیست (همان: ۱۹۶). اما زمخشری می‌گوید: ارم منطقه‌ای است که اسکندریه در آن قرار دارد (همان).

در لغت‌نامه دهخدا از ارم به‌عنوان شهری که شدادبن عاد بنا کرده یاد شده است (دولتی، جمالی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۵۹-۱۳۷). ابن اسحاق، ارم را جد عادیان، یعنی عادبن عوض بن ارم بن سام بن نوح

دانسته است (همان، به نقل از: ابن هشام، ۱۴۱۵، ج ۱، ۴۰) اما اینکه ارم شهری بوده است در سرزمین یمن جمعی از مفسران نظر اشتراک دارند.

احقاف

احقاف جمع حَقَف (بر وزن رزق) به معنی شن‌های روان است که بر اثر وزش باد، در بیابان‌ها به‌صورت مستطیل و کج و معوج روی هم انباشته می‌شود. سرزمین این قوم را از این جهت احقاف می‌گفتند که ریگستانی به این صورت بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۳۱۲).

به گفته ابن عباس سرزمین احقاف دره‌ای میان عمان و سرزمین «مهره» است. **آیت‌الله مکارم شیرازی** به نقل از کتاب «علام‌القرآن» آورده است: احقاف را، که شهر دیگر سکونت عادیان می‌باشد، اغلب مورخان در قلب جزیره عربستان، میان نجد و احسا، حضرموت و عمان دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۱: ۳۶۸) برخی هم آن را ریگستانی میان یمن و عمان تا حضرموت دانسته و برخی نیز قائلند که در یمن واقع شده است. ابن اسحاق احقاف را سرزمینی بین عمان و حضرموت می‌داند؛ قتاده آن را سرزمینی مشرف بر دریا در «شحر» از سرزمین یمن برشمرده است (حموی بغدادی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۱۴۴). از مجموع اقوال ذکر شده می‌توان گفت: سرزمین احقاف باید مکانی در جنوب جزیره‌العرب در نزدیکی عمان و یمن بوده باشد (همان: ۱۴۴).



نمونه‌ای از تصاویر غیرواقعی، ساختگی و رایانه‌ای

نعمات خدادادی

نعماتی که خداوند به قوم عاد ارزانی داشته بود به شرح زیر بوده است:

۱. فرستادن پیامبری امین برای آن‌ها به نام **هود(ع)**؛ **إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ**. آنچه در قرآن کریم و تفاسیر می‌خوانیم پیامبر قوم عاد، حضرت هود(ع)، از نسل سام بن نوح است (دولتی، جمالی و قاسمی، به نقل از: الجامع لاحکام القرآن قرطبی، ۱۳۶۴، جلد ۱۸: ۱۲۰)؛

۲. بهره‌مند بودن از استعدادهای درخشان، تا جایی که در ساخت و ساز بناهای مستحکم از این نعمت خدادادی استفاده کردند. **الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ**.



نمونه‌ای از تصاویر غیرواقعی، ساختگی و رایانه‌ای

و بسیار کوبنده‌ای به مدت هفت شب و هشت روز بر آن‌ها مسلط شد، طوری که قصرهایشان را در هم کوبید و اجسادشان را همچون برگ‌های پاییزی بر امواج باد سوار کرده و به اطراف پراکنده ساخت. آیه ۷ از سوره حاقه به این امر اشاره دارد: *سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أُغْرَجُوا نَحْلٍ خَاطِئَةً*^۸

در باره عذاب قوم عاد، مفسران متفق القولند که مدتی هوا رو به گرمی و خشکی بود و بارانی بر قوم عاد نازل نشده بود تا اینکه روزی آسمان پوشیده از ابرهای تیره شد. عادیان تصور کردند که آن ابرها باران‌زا هستند، به این سبب به شادی و خوشحالی پرداختند. ولی مدتی نگذشت که دریافتند آن ابرهای تیره، نه تنها باران‌زا نیستند بلکه نوعی عذاب سخت و وحشتناک است که آن‌ها برای آمدنش شتاب داشتند و جشن و سرور بر پا می‌کردند. در نهایت آن ابرهای تیره منجر به تندبادهای ویرانگر شد و اموال

۳. بهره‌گیری این قوم از مواهب طبیعی و زیستی در کنار اقیانوس هند، باران‌های مفید و پیاپی و فرآورده‌های زمینی از استعدادهای درخشان این قوم بوده است که خداوند بر آن‌ها ارزانی داشته بود تا بدین وسیله بتوانند به تغذیه مفید، رفاه و آسایش دست یابند.

۴. در اختیار داشتن چارپایان و پسران لایق: *أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ*^۹؛

۵. داشتن باغات و چشمه‌ها: *وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ*؛
۶. بهره‌مندی از قدرت جسمانی که بخشی از آیه ۶۹ سوره اعراف به آن اشاره شده است: *وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصُلَةً*^{۱۰}.

همچنین آیات متعدد قرآن حکایت از آن دارد که عادیان مردمانی درشت‌استخوان، قوی‌بیکر و نیرومند بوده‌اند و خود را نیرومندتر از اقوام دیگر می‌دانسته‌اند: *مَنْ أَشَدُّ مَنَاقُؤَةً*^{۱۱} و همواره تمدنی پیشرفته و سرزمینی آباد و سرسبز و خرم داشته‌اند. با این شواهد، اکثر منابع تاریخی در تحلیل و تجزیه از این قوم، آن‌ها را قومی بی‌نیاز و مستقل معرفی کردند.

عاد اولی و عاد ثانی

در سوره نجم، این قوم «عادالاولی» خوانده شده است؛ *وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ*^{۱۲} و مشهورند به قوم هود(ع) که همه آن‌ها به واسطه تندبادهای به هلاکت رسیدند. «عاد ثانی» نیز از قبیله ارم بودند که به وسیله صیحه‌ای مهیب از بین رفتند. برخی از مورخین گفته‌اند: عاد اولی فرزندان عادبن ارمین عوضین سام‌بن نوح بوده و عاد ثانی از نوادگان او بوده‌اند. (دولتی، جمالی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۵۹-۱۳۷)

سرانجام قوم عاد

با آن همه نعمت‌هایی که خداوند به قوم عاد ارزانی داشته بود، آن‌ها در مقابل دعوت پیامبرشان (حضرت هود(ع)) نافرمانی کردند. دعوت هود(ع) را به یکتاپرستی خداوند نپذیرفتند و تکبر ورزیدند و خود را نیرومندتر از خدا دانستند. آن‌ها از قدرتشان برای ظلم و ستم، استعمار و استثمار دیگران استفاده کردند، آیین بت‌پرستی را ترویج نمودند، پیامبرشان را به جنون و سفاهت نسبت دادند و او را از خشم خدایان خود ترساندند. حضرت هود(ع) در مقابل خشم این قوم مغرور و زورمند ایستادگی کرد و سرانجام توانست گروهی را به آیین حق فرا خواند. اما گروهی دیگر از این قوم بر لجاجت و عناد خود باقی ماندند. با این ناسپاسی سرانجام طوفان شدید

قوم عاد را نابود کرد. آن‌ها با مشاهده این وضعیت، به خانه‌های خود پناه بردند و درها را به روی خود بستند. ولی خشم خداوند بر این قوم لجوج به حدی بود که تندبادها درهای خانه‌شان را از جا کند و بر زمین کوبید. سرانجام خودشان نیز همچون تنه‌های پوسیده و توخالی درختان نخل در میان این تندبادها روی زمین افتادند و به هلاکت رسیدند. (قرآن حکیم، ترجمه مکارم شیرازی)

ادعای کشف اجساد قوم عاد

اخیراً در فضای مجازی تصاویری از اسکلت انسان‌های عظیم‌الجثه رؤیت شده که عده‌ای در صدد هستند تا آن‌ها را به قوم عاد نسبت دهند.

در یکی از این فضاهای مجازی که به سایت «تابش» شهرت دارد آمده است: اخیراً در یکی از مناطق جنوب شرقی شبه‌جزیره عربستان، کاوشگران گاز (گروه کاوشگر شرکت آرامکو)، بقایای اسکلت انسانی را در اندازه خارق‌العاده‌ای پیدا کردند:

<http://www.tabesh.net>

در سایت‌های دیگر نیز چنین تصاویری با مضامینی مشابه پخش شده است:

<http://www.worthlooo.com>,

<http://urbanlegends>

در مقابل بعضی سایت‌ها این ادعا و عکس‌ها را ساختگی و رایانه‌ای دانستند و چنین اکتشافات را انکار می‌کنند:

<http://www.ikaiaigh.com/09/2010/giant-human-skeleton>

از طرفی دلیل روشن‌تر ابطال این ادعاها، آیات قرآن کریم است که می‌تواند هرگونه شبهه‌ها را از اذهان دور سازد:

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ؛
سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَازِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى
بِالْقَوْمِ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعِجَزُوا نَخْلٍ خَاوِيَةٍ؛
فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِّنْ بَاقِيَةٍ؛
فَأَصْبَحُوا لَآبِرِي إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ؛
وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُم مِّنْ مَّسَاكِنِهِمْ.^{۱۳}

از این آیات استنباط می‌شود مساکن قوم عاد باقی‌مانده ولی اجساد و اموالشان نابود شده است؛ زیرا روایت شده که وقتی طوفان بر قوم عاد وزید، آنان را از جای خود برمی‌داشت و در آسمان با اصابت سنگ نابود می‌ساخت به طوری که جسدی از آن‌ها باقی نماند. از تحقیق و بررسی آیات مذکور به این نتیجه می‌رسیم که عکس‌ها و اخبار انتشار

یافته در سایت‌ها صحت ندارند. از طرفی در سایتی نیز پرده از این عکس‌ها برداشته شده که آن‌ها را برای شرکت در یک مسابقه عکاسی و طراحی معرفی می‌نماید:

<http://news.nationalgeographic.com>

کلام آخر اینک:

خبر موثق و قابل اعتماد از جریان زندگی قوم عاد را بایستی در قرآن کریم جست‌وجو کرد که شرحش گذشت. داستان قوم عاد از معجزات و اخبار غیبی قرآن کریم است که از سرنوشت قومی خبر می‌دهد که تا سالیان سال هیچ‌کس از آن اطلاعی نداشته و بشر همواره تصور می‌نماید که سرنوشت این مردمان، افسانه‌ای بیش نیست.

با توجه به آنچه در آیات قرآن آمده و نیز با عنایت به فعالیت‌های باستان‌شناسان، می‌توان حدس زد که اکتشافات (آثار کشف شده) اخیر در شبه‌جزیره عربستان بجا مانده از برج‌ها و باروهای قوم عاد است که همانا در قرآن به «مساکنهم» یاد شده است. مردمان این قوم طبق آیات قرآن، بر اثر تندبادهای بنیان‌کن همگی به هلاکت رسیدند و آثاری از آن‌ها و اجسادشان باقی نماند.

پی‌نوشت‌ها

۱. سوره شعراء، آیه ۱۲۵
۲. سوره فجر، آیه ۸
۳. سوره شعراء، آیه ۱۳۳
۴. همان، آیه ۱۳۴
۵. سوره اعراف، آیه ۶۹ (... و در خلقت و نعمت شما بیفزود)
۶. سوره فصلت، آیه ۱۵ (چه کسی از ما نیرومندتر است؟)
۷. سوره نجم، آیه ۵۰ (و هم او قوم عاد را در اول هلاک کرد)
۸. سوره حاقه، آیه ۷ (که آن باد تند را خدا، هفت شب و روز بی‌دری بر آن‌ها مسلط کرد که دیدی آن مردم گویی ساقه نخل خشکی بودند و به خاک در افتادند)
۹. همان، آیه ۶ (و اما قوم عاد با وزش باد صرصر به هلاکت رسیدند)
۱۰. همان، آیه ۷
۱۱. همان، آیه ۸ (آیا از آن‌ها هیچ بازمانده‌ای می‌بینی؟)
۱۲. سوره احقاف، آیه ۲۵ (پس شبی را صبح کردند که جز خانه‌های ویران اثری از آن‌ها باقی نماند)
۱۳. سوره عنکبوت، آیه ۳۸ (و قوم عاد و ثمود را که منازل خراب و ویرانشان را به چشم می‌بینید...)

منابع

۱. رسولی محلاتی، سیدهاشم؛ تاریخ انبیا، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۶.
۲. حموی بغدادی، یاقوت؛ معجم البلدان، ج ۱، ۱۹۹۵.
۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، ج ۲۱، ۱۳۷۴.
4. <http://news.nationalgeographic.com>
۵. دولتی، کریم؛ جمالی، حامد و قاسمی، مرتضی؛ کشف سرزمین قوم عاد از منظر قرآن و باستان‌شناسی (مقاله)، فصلنامه علمی - ترویجی قرآن، سال هشتم، ش ۱۴، بهار و تابستان، ۱۳۹۳.
6. www.monjimoud.persianblog.ir